

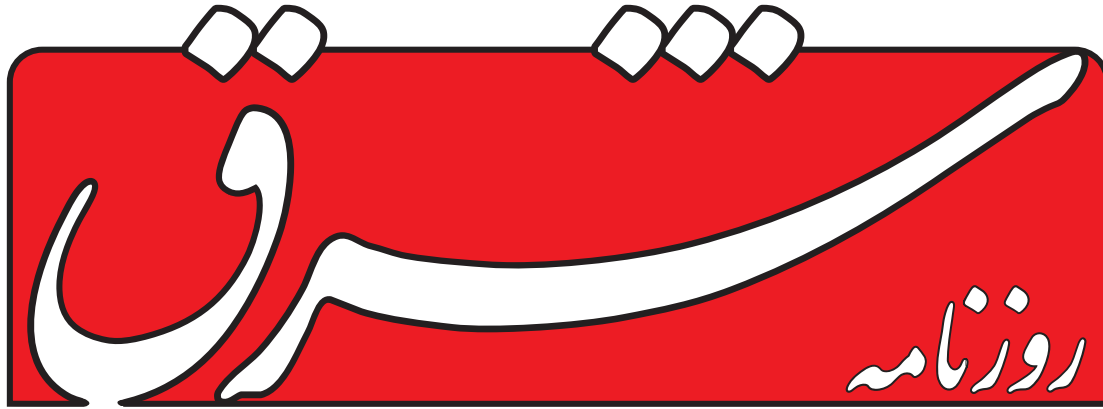


واکنش عارف به حوادث اصفهان:  
**جدال های منطقه ای**  
**را امنیتی نکنیم**

گروه سیاست: محمدرضا عارف با اشاره به حوادث اخیر در اصفهان در پستی اینستاگرامی نوشت: «آنچه در ایران امروز می‌گذرد، ناشی از نامدیریتی‌ها و انحراف از منطق مصالح ملی در سالیان اخیر است. اگر منافع و مصالح ملی در سالیان اخیر کانون...»

صفحه ۲

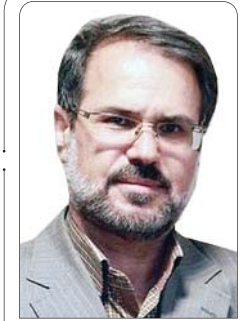
یکشنبه ۷ آذر ۱۴۰۰ | ۲۲ ربیع‌الثانی ۱۴۴۳ | ۲۸ نوامبر ۲۰۲۱



رئیس سازمان بازرسی کل کشور هم گلایه کرد  
**از فساد سیستماتیک**  
**تا فساد موریا نه‌وار**

گروه سیاست: «فساد» واژه‌ای است که این روزها بعد از افشای حقوق‌های نجومی در برخی مراکز دولتی، زیاد شنیده می‌شود. شاید این اتفاقات باعث شده تا روز گذشته رئیس سازمان بازرسی کشور اعلام کند در این سازمان و در انجام وظایف...

صفحه ۲



سال نوزدهم | شماره ۴۱۵۵ | ۱۲ صفحه | ۷۰۰۰ تومان

تترها

بهارستان صلاحیت سومین گزینه  
وزارت آموزش و پرورش را بررسی می‌کند  
**شانس بالای گزینه آخر**

صفحه ۳

**اولاف شولتس**  
**مردی برای تمام فصول**

صفحه ۸

**بسیج دانشگاه تهران**  
**علیه شهردار تهران**

زاکانی در گذشته رئیس بسیج دانشجویی بوده است

صفحه ۲

**تیر خلاص دولت به طرح**  
**حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی؟**

صفحه ۵

**فقر گل در ایران**

صفحه ۱۱

**دو سر برد یا دو سر باخت؟**  
**احمد طالبی‌نژاد**



۶

حرف اول

**دیپلماسی ایران**  
**و مرکانتلیسم ماندگار**

محمدرضا دستمالی | کارشناس روابط بین‌الملل



سخن‌گفتن از اهداف سیاست خارجی ایران، گاه شبیه اختراع مکرر چرخ است، گاه یادآور پرسش قدیمی اول مرغ بود یا...؟ پرسش بر زمین‌مانده این است: آیا قاعده

ساده دیپلماسی در خدمت اقتصاد، درباره دستگاه دیپلماسی ایران نیز صدق می‌کند، یا تافته جدابافته‌های هستیم با اهدافی متفاوت و متناقض؟ سفیر و کنسول می‌فرستیم که طومار و سلام و سوغات ببرند و دوستی و طلا و سود باز آرند؟ یا اساسا به استغنائی درونی کامل رسیده‌ایم و در اوج درویش‌مسکلی و عیارمرامی، خود را بی‌نیاز می‌پنداریم از هر آنچه رنگ و تعلق و تملک گیرد؟! طرح این پرسش، در زمانه‌ای اهمیت بیشتری پیدا کرده که اگر دولت، برای اداره کشور حتی و حتی، شب و روز اسکناس داخلی چاپ کند، برای تأمین ارز مایحتاج واردات، با مشکل جدی روبه‌روست. بنابراین، نه بهانه‌های هست برای جاتم‌بخشی و ول‌خرچی و نه به قول شاملو، می‌توانی یله بر نازکاری چمن رها شده باشی و فکر کنی که بالاخر پولی می‌رسد. خیر، باید کاسی کنی تا بتوانی خرج کنی! راه مرسوم این است و تنها مسیر پردردسر دیگر، استقراض! بنابراین با توجه به این وضعیت و نیز با یادآوری این موضوع که وزارت امور خارجه ایران نیز پس از مدت‌ها معاونت اقتصادی دارد، باید پرسید: دیپلماسی فعلی، جاده‌صاف‌کن اقتصاد است یا نه؟ اگر بخواهیم از منظر دانش اقتصاد سیاسی بین‌الملل (IPE) به دنبال پاسخ بگردیم؛ تکلیف روشن است.

از ما می‌پرسند: خوب در جست‌وجوی چه هستی؟ می‌گوییم: ما هم مثل بقیه، فصول سیاست خارجی ما در این یک صفحه است که می‌بینید، این صفحه دیگر هم هدف‌گذاری اقتصادی ماست. می‌پرسند: ... نه، بیخ‌شید. نمی‌پرسند، بررسی می‌کنند ببینند ما که هستیم و ماهیت رویکرد اقتصادی ما چیست. بازار آزادیم، مارکسیستیم، نئومارکسیستیم؟ یا یک پدیده هیبریدی عجیب که تعریف حدود و نفوذ آن، آسان نیست؟ بنابراین بخش مهمی از واکنش‌ها و فی‌دب‌ک‌هایی که می‌گیریم، مرتبط با خواست اقتصادی سیاست خارجی ماست و نه الزاما و صرفا، مباحث امنیتی و دفاعی. ممکن است علاوه بر دوست، دشمن و رقیب نیز چنین وانمود کنند که در رویکرد سیاست خارجی ایران، مفاهیم، آرمان‌ها و شعارهای سیاسی-امنیتی و نگرش منطقه‌ای را از هر موضوع دیگری مهم‌تر می‌پندارند. اما واقعیت این است که زوم مهم‌تر آنها، روی اقتصاد است.

ادامه در صفحه ۸

دبیر اجرایی نظام صنفی کشاورزان اصفهان در گفت‌وگو با «شرق»:

# زاینده‌رود تا ۵ سال دیگر احیا نمی‌شود



**نگاهی به اظهار نظرهای عجیب برای حل بحران بی‌آبی آب، بازیچه دست سیاست**

صفحه‌های ۲ و ۵

عکس: علی آذر، باشگاه خبرنگاران جوان

یادداشت

**آقای رئیس جمهور**  
**«جمهوری شده؟»**



سیدشهاب‌الدین طباطبایی

مرحوم پدربزرگم مثل اکثر قدیمی‌ها دایره‌المعارفی بود. از واژه‌ها و اصطلاحات جالب و عجیب، هرکدام از این اصطلاحات نقل‌قول‌ها هم به روایت و ماجرابی وصل بودند. خدایا بامرز وقتی جایی خبر دعوایی می‌شنید بر سر منفعت یا موقعیتی، یا هرج‌ومرجی در جایی، با غلظتی به‌یادماندنی می‌گفت اوه دوباره جمهوری شد و توضیح می‌داد بعد از مشروطه و تجربه بی‌برنامگی و چندپاره‌شدن مدل‌های جمهوری خواهی، این اصطلاح در اردکان باب شده بود. جمله «وووی جمهوری شد!» وقتی به کار می‌رفته که نوبت‌بندی آبیاری و تقسیم مدت و مقدار آب باغات انار یا پسته به هم می‌ریخته و میراب‌ها به دلخواه یا تحت تأثیر رفاقت و منفعت شخصی، سر آب را کج می‌کردند در باغی که نوبتش نبود. بیشتر وقت‌ها هم این «وووی جمهوری شده!» با صدای بلند آفاقه می‌کرده و آن که زودبندی کرده بود یا به هر دلیلی باعث هرج‌ومرج در نحوه توزیع آب شده بود از ترس شناخته‌شدن و بی‌آبرویی بعدش، بی‌خیال می‌شد. راه آب را به مسیر معمولش برمی‌گرداند. وقت‌های کمی هم تا صاحب باغ بجنبند و هوار بکشند، زمان حقایق‌اش تمام شده بود و می‌رفت تا چند روز بعد و باغ خشک می‌ماند.

ادامه در صفحه ۱۰

یادداشت

**اشتباه دولتمردان**  
**در کاربست مفاهیم حقوقی و سیاسی**



احسان هوشمند

یافت که خویشاوندانی در گوشه و کنار و دیگر نقاط این سرزمین نداشته باشد. میلیون‌ها ایرانی تنها در تاریخ معاصر به صورت وسیعی کوچ داخلی پشته کرده‌اند و به این ترتیب این موج بزرگ جابه‌جایی جمعیت داخلی، به دره‌متنیدگی روزافزون ایرانیان منجر شده است؛ یعنی به‌جز مشترکات فرهنگی، سنی و اجتماعی، تبار این مردمان نیز به‌هم‌پیوستگی عمیقی را نشان می‌دهد. برای نمونه از سال ۱۳۵۵ تا سال ۱۳۹۵ یعنی در ۴۰ سال گذشته، حدود ۳۶ میلیون و ۴۴۷ هزار و ۲۵۹ نفر از ایرانیان (بیش از ۳۶ میلیون ایرانی) مهاجرت داخلی از روستا به شهر و از شهری به شهرهای دیگر ایران را تجربه کرده‌اند که روند غالب در این جابه‌جایی جمعیت نیز از شهر به شهر بوده است؛ به نحوی که در سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ حدود ۶۸ درصد از جابه‌جایی داخلی و مهاجرت در کشور از شهر به شهر بوده است. به دنبال این مهاجرت‌ها، معمولاً پیوندهای سببی و ازدواج میان نسل‌های اول و بعدی این مهاجران با دیگر ایرانیان به دره‌متنیدگی بیشتر مردمان این سامان منجر شده و می‌شود. اگر توطئه‌های بدخواهان ایران و ایرانی حتی در دوران ضعف همچون بحران ۱۳۲۴ و ۱۳۲۵ در شمال غرب ایران یا بحران‌های متعاقب فردای ۲۲ بهمن ۵۷ در گوشه و کنار کشور برای تجزیه کشور به فرجام نرسید، یکی از علت‌های مشهود این ناکامی دشمنان کشور را باید در این دره‌متنیدگی تاریخی ایرانیان و پیوندهای عمیق نسبی و سببی و خویشاوندی‌ها با جای‌جای این سرزمین و نیز همبستگی اجتماعی و ارزش‌ها و مشترکات تاریخی ناشی از آن جست‌وجو کرد.

ادامه در صفحه ۴

یادداشت

**سیاست، دانشگاه**  
**و استاندار دوگانه**



مهسا جزینی  
دبیر گروه سیاسی

افزافه‌کردن علیرضا زاکانی و باقر قالیباف، دو چهره تمام اصولگرای فعال عرصه این روزهای سیاست، به هیئت امنای دانشگاه تهران این پرسش را ایجاد می‌کند که چطور می‌توان سیاست‌ور را در اداره دانشگاه دخیل کرد، اما از آن سو حیات سیاسی دانشگاه را به حالت تعلیق درآورد. جنبش دانشجویی که در دوران اصلاحات شکوفاه شده بود، از دولت نهم به این سو با تعطیلی انجمن‌های سیاسی مستقل و برخورد با فعالان دانشجویی کم‌کم طالعش رو به افول نهاد و حتی آمدن دولت اعتدالی هم نتوانست نفسی تازه بر آن بدمد. امر سیاسی در دانشگاه‌ها به درختی بدل شد که ریشه‌اش خشکانده شده بود.

ادامه در صفحه ۹



سرمقاله

**چوب «حکومت‌گری» بر اندیشه**

کیومرث اشتریان



۱- ما در معرض ضدیشری‌ترین تحریم‌های تاریخ قرار داریم. گربه‌ها هم در دشمنی با ما شیر شده‌اند. این وضعیت نیازمند همفکری و همکاری همه نیروهای ملی است. همفکری هم نیازمند آن است که بنیان‌های فکری و «نحوه اندیشیدن» ما اجازه بدهد از همراهی و همکاری دیگران استفاده کنیم. «همه چیز را همگان دانند» و همه کار را همگان کنند. نمی‌توان در حلقه‌ای بسته نشست و حل مشکل کرد. نکته کلیدی این است که راه‌حل‌ها پرشمار و نزد همگان است. نیروهای ملی باید آزاد شوند تا هریک در کارگاه عظیم خلق فرصت‌ها دست به کار شوند. راه‌حل یکی نیست که فقط نزد دولت یا مخالفانش باشد. اینکه برای مشکلات سیاسی «تنها یک راه‌حل وجود ندارد»، نکته‌ای بس عمیق است. ما نیازمند راه‌حل‌ها هستیم و نه «یک» راه‌حل. این راه‌حل‌ها هم در گرو رویکردهای اجتماعی و سیاسی و هم البته «تکنیک»‌های اقتصادی و مدیریتی است. اگر هم بخواهیم به اساسی‌ترین «مشکل و راه‌حل» اشاره کنیم، عبارت است از حل‌کردن «معضل ذهنی» ما برای گفت‌وگو و همکاری جمعی تا در پیچه‌ای از راه‌حل‌های گوناگون را برابمان باز کند. بخشی از این معضل ذهنی همان فقدان عینیت‌گرایی در حکمرانی است. بینید فاصله مباحثاتی که در برخی مراکز تصمیم‌گیری یا مراکز قدرت با آنچه در جامعه می‌گذرد، چقدر زیاد است؛ فاصله‌ای به اندازه دغدغه برای «بلندی ریش» تا اندیشیدن برای «مصنوعیت هوش». واقعیت این است که ما دشمنان بسیاری داریم، یافتن راه‌های گوناگون برای غلبه بر این وضعیت، تعامل با جهان، کاهش دشمنی‌های دشمنان، نجات کسب‌وکارهای مردمان، سیرکردن گرسنگان، امیدواری نخبگان و جلوگیری از فرار آنان و ده‌ها مشکل دیگر در گرو «همکاری ملی» و زدودن موانع ذهنی حاکمان است؛ تمدن‌های موفق از همین راه رفته‌اند. این همه مستلزم آن است که نکات مثبت و منفی را در «نحوه اندیشیدن» خود کشف کنیم. تمدن ایرانی-اسلامی سرشار از سربلندی‌های غرورآفرین است. در مجموع، ما عالم و هوشمندیم، شاعر و ادیبیم، هنرمند و خنیاگریم، متمدن و صلح‌جوییم، تاریخی و اصیلیم؛ اما ضعف‌هایی در نحوه اندیشه‌ورزی داریم که «همکاری ملی» ما را دشوار می‌کند. توهم، خیال، سوسن‌ظن و غرور کاذب از آفت‌های «همکاری جمعی» ماست. از ابهام در گفتار و افکار و از سطحی‌نگری در شناخت جهان در رنجیم؛ به‌ویژه تاریخ چند سده اخیر اعتماد‌به‌نفس برای مواجهه با جهان و قدرت‌های بزرگ را از ما گرفته است و سبب شده از موضع انکار با برخی مظاهر سیاسی تمدن جدید (همچون مذاکرات بین‌المللی) براییم. البته به نظرم انحطاط اخلاقی-سیاسی قدرت‌های بزرگ، به‌ویژه آمریکا، در برخورد با ایران نیز یکی دیگر از ریشه‌های آن بوده و هست؛ اما فاصله‌گیری از مجامع قدرت راه‌حل نیست. ما باید برای تعامل (و نه ضرورتا منازعه) با قدرت‌های جهانی، به‌ویژه اروپا و آمریکا، استراتژی درازمدتی داشته باشیم؛ استراتژی قدرت ملی-منطقه‌ای و رابطه فعال بین‌المللی.

ادامه در صفحه ۲

## خانواده معزز فردوس

با قلبی آکنده از تأسف و تالم، در گذشت جناب **آقای مهندس بهروز فردوس** را خدمت شما و خانواده داغدار گروه صنعتی ماموت تسلیت عرض می‌نماییم. از خداوند متعال برای روح پاک آن مرحوم علو درجات و مغفرت الهی و برای خانواده محترم صبر عظیم آرزو مندیم. روحشان شاد و نامشان جاودان **هلدینگ راین‌کو**

**خورشید همیشه از شرق طلوع می‌کند**  
**شبکه شرق، باشما**

@sharghDaily | sharghonline.com | @sharghDaily

